

غفلت - ۲۶ غفلت زدایی

۳- عبرت

امام سجاد علیه السلام در دعا می فرماید:

لِمَا طَوَّتِ الْعُقُلَةُ عَنَّا مِنْ تَصْفُحِ الْإِعْتِبَارِ نَاشِرًا، حَتَّى تُوصَلَ إِلَى قُلُوبِنَا فَهَمَّ عَجَائِبِهِ، وَ زَوَاجِرِ
أَمْتَالِهِ الَّتِي ضَعُفَتْ الْجِبَالُ الرَّوَاسِي عَلَى صَلَابَتِهَا عَنِ اخْتِمَالِهِ

(بار خدایا... چنان کن که قرآن... طومار عبرت‌ها را که به دست غفلت پیچیده شده
پیش روی ما بگشاید، تا عجایب قرآن و مثل‌ها و قصه‌های هشدار دهنده آن - که
کوه‌های سخت از تحمل آن ناتوانند - به دل‌های ما راه یابد.

(صحیفه سجادیه دعای چهل و دوم)

و امام صادق علیه السلام فرمود:

أَعْقَلُ النَّاسِ مَنْ لَمْ يَتَّعِظْ بِتَغْيِيرِ الدُّنْيَا مِنْ حَالٍ إِلَى حَالٍ

غافل‌ترین مردم کسی است که از تغییر و دگرگونی دنیا، پند نگرفته باشد.

الأمالی للصدوق ص ۲۰

برخی آیات با موضوع عبرت

۱- داستان فرعون

سوره نازعات

... موسی بزرگ‌ترین معجزه را به او (فرعون) نشان داد! (۲۰)

اما او تکذیب و عصیان کرد! (۲۱)

سپس پشت کرد و پیوسته (برای محو آیین حق) تلاش نمود! (۲۲)

و ساحران را جمع کرد و مردم را دعوت نمود، (۲۳)

و گفت: «من پروردگار برتر شما هستم!» (۲۴)

از این رو خداوند او را به عذاب آخرت و دنیا گرفتار ساخت! (۲۵)

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِمَنْ يَخْشَى (۲۶)

در این عبرتی است برای کسی که (از خدا) بترسد! (۲۶)

۲- اشاره مجدد به داستان فرعون

(سرانجام) بنی اسرائیل را از دریا (رود عظیم نیل) عبور دادیم و فرعون و لشکرش از سر ظلم و تجاوز، به دنبال آن‌ها رفتند. هنگامی که غرقاب دامن او را گرفت، گفت: "ایمان آوردم که هیچ معبودی، جز کسی که بنی اسرائیل به او ایمان آورده‌اند، وجود ندارد و من از مسلمین هستم!" * (اما به او خطاب شد:) الان؟! در حالی که قبلاً عصیان کردی، و از مفسدان بودی! *

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَ آيَةً وَ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَنِّ آيَاتِنَا لَعَافِلُونَ -

ولی امروز، بدنت را (از آب) نجات می‌دهیم، تا عبرتی برای آیندگان باشی! و بسیاری از مردم، از آیات ما غافلند!« (یونس/۹۰ تا ۹۲)

خداوند در این آیه می‌فرماید جنازه فرعون را از آب بیرون آورد تا مردم بینند و از آن عبرت بگیرند تا از غفلت بیرون بیایند. یعنی عبرت از حوادث و اتفاقات عالم و عبرت از حکایت‌های پیشینیان می‌تواند از غفلت جلوگیری کند.

۳- جگ بدر

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَى كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلِهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ مَن يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ (۱۳)

در دو گروهی که (در میدان جنگ بدر)، با هم رو به رو شدند، نشانه (و درس عبرتی) برای شما بود: یک گروه، در راه خدا نبرد می‌کرد؛ و جمع دیگری که کافر بود، (در راه شیطان و بت)، در حالی که آنها (گروه مؤمنان) را با چشم خود، دو برابر آنچه بودند، می‌دیدند. (و این خود عاملی برای وحشت و شکست آنها شد.) و خداوند، هر کس را بخواهد (و شایسته بداند)، با یاری خود، تأیید می‌کند. در این، عبرتی است برای بینایان! (ال عمران/۱۳)

۴- دگرگونی شب و روز

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

خداوند شب و روز را دگرگون می‌سازد؛ در این عبرتی است برای صاحبان بصیرت!

(نور/۴۴)

۵- یاری پیامبران

(پیامبران به دعوت خود، و دشمنان آنها به مخالفت خود هم چنان ادامه دادند) تا آن‌گاه که رسولان مأیوس شدند، و (مردم) گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است؛ در این هنگام، یاری ما به سراغ آنها آمد؛ آنان را که خواستیم نجات یافتند؛ و مجازات و عذاب ما از قوم گنهکار بازگردانده نمی‌شود! (یوسف/۱۱۰)

لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِي الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (۱۱۱)

در سرگذشت آنها (پیامبران) درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود! این‌ها داستان دروغین نبود؛ بلکه (وحی آسمانی است، و) هماهنگ است با آنچه پیش روی او (از کتب آسمانی پیشین) قرار دارد؛ و شرح هر چیزی (که پایه سعادت انسان است)؛ و هدایت و رحمتی است برای گروهی که ایمان می‌آورند! (یوسف/۱۱۱)

۶- یهود بنی نضیر

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ يَحْتَسِبُوا وَ قَدَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَ أَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ (۲)

او کسی است که کافران اهل کتاب را در نخستین برخورد (با مسلمانان) از خانه‌های‌شان بیرون راند! گمان نمی‌کردید آنان خارج شوند، و خودشان نیز گمان می‌کردند که دژهای محکم‌شان آنها را از عذاب الهی مانع می‌شود؛ اما خداوند از آن‌جا که گمان نمی‌کردند به سراغ‌شان آمد و در دل‌های‌شان ترس و وحشت افکند، به گونه‌ای که خانه‌های خود را با دست خویش و با دست مؤمنان ویران می‌کردند؛ پس عبرت بگیرید ای صاحبان چشم! (حشر/۲)

۷- چهارپایان ۱

وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَبِنًا خَالِصًا سَائِعًا لِشَارِبِينَ وَ در وجود چهارپایان، برای شما (درس‌های) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم! (نحل/۶۶)

۸- چهارپایان ۲

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُسْقِيكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهَا وَ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

و برای شما در چهارپایان عبرتی است؛ از آنچه در درون آنهاست [از شیر] شما را سیراب می‌کنیم؛ و برای شما در آنها منافع بسیاری است؛ و از گوشت آنها می‌خورید. (مومنون/۲۱)

احادیث

پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود:

اعْتَبِرُوا فَقَدْ خَلَّتِ الْمَثَلَاتُ فِيمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ

عبرت بگیرید که در میان پیشینیان شما درس‌های عبرت هست.

کنزالفوائد، ج ۲ ص ۳۱

احادیثی از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام:

ذَمَّتِي بِمَا أَقُولُ رَهِيئَةً وَ أَنَا بِهِ زَعِيمٌ: إِنَّ مَنْ صَرَّحَتْ لَهُ الْعِبْرَةُ عَمَّا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْمَثَلَاتِ حَجَزَتْهُ

التَّقْوَى عَنِ تَقْحُمِ الشُّبُهَاتِ

گردنم در گرو سخنی است که می‌گویم و درستی آن را ضمانت می‌کنم؛ هر کسی با دیده عبرت به سرگذشت پیشینیان و کیف‌هایی که بر سر آنان آمده است بنگرد، پرهیزگاری، او را از فرو افتادن در شبهات باز دارد.

نهج البلاغة (للصبحي صالح) ص ۵۷ خ ۱۶

وَ إِنَّ لَكُمْ فِي الْقُرُونِ السَّالِفَةِ لَعِبْرَةً، أَيْنَ الْعَمَالِقُ وَ أبنَاءَ الْعَمَالِقَةِ ؟ ! أَيْنَ الْقَرَاعِنَةُ وَ أبنَاءَ

الْقَرَاعِنَةِ ؟ ! أَيْنَ أَصْحَابِ مَدَائِنِ الرَّسِّ الَّذِينَ قَتَلُوا النَّبِيَّ، وَ أَطْفَؤُوا سُنَنَ (سَيَرِ) الْمُرْسَلِينَ، وَ أَحْيَوا

سُنَنَ الْجَبَّارِينَ

راستی که در اقوام و ملل پیشین برای شما درس عبرتی است. کجایند عمالقه حدیث و زادگان عمالقه؟ کجایند فرعونان و فرعون زادگان؟ کجایند مردمان شهرهای رس؛ همانان که پیامبران را کشتند و سنت‌های فرستادگان الهی را از بین بردند و شیوه‌های ستمگران را زنده ساختند؟

نهج البلاغة (للصبحي صالح) ص ۲۶۳ خ ۱۸۲

در نامه خود به حارث همدانی - نوشت :

و صَدَّقَ بِمَا سَلَفَ مِنَ الْحَقِّ، وَ اعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا؛ فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضًا، وَ آخِرُهَا لَاحِقٌ بِأَوَّلِهَا، وَ كُلُّهَا حَائِلٌ مُفَارِقٌ

آن چه را در گذشته حق بوده است، تصدیق و باور کن و از گذشته دنیا برای باقیمانده آن عبرت گیر؛ زیرا پیشامدهای دنیا مانند یکدیگرند و پایان آن به آغازش پیوسته است و همه آن زوال پذیر و از دست رفتنی است.

نهج البلاغة (للصباحي صالح) ص ۴۵۹ نامه ۶۹

وَ اعْتَبِرُوا بِمَا قَدْ رَأَيْتُمْ مِنْ مَصَارِعِ الْقُرُونِ قَبْلَكُمْ، قَدْ تَرَايَلَتْ أَوْصَالُهُمْ، وَ زَالَتْ أَبْصَارُهُمْ وَ أَسْمَاعُهُمْ، وَ ذَهَبَ شَرَفُهُمْ وَ عِزُّهُمْ، وَ انْقَطَعَ سُورُهُمْ وَ نَعِيمُهُمْ

از نابودی نسل های پیش از خود که دیده اید عبرت گیرید: بندهای بدنشان از هم گسیخت و چشم ها و گوش های شان نابود شد و شکوه و شوکت شان از میان رفت و شادی و نعمت شان، به سر رسید.

نهج البلاغة (للصباحي صالح) ص ۲۳۰ خ ۱۶۱

فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ؛ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَ صَوْلَاتِهِ وَ وَقَائِعِهِ وَ مَثَلَاتِهِ
از عذاب خدا و یورش ها و بلاها و کیفی های او که بر سر ملت های گردن کش پیش از شما آمده است، درس گیرید.

نهج البلاغة (للصباحي صالح) ص ۲۹۰ خ ۱۹۲

فَاتَّعِظُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالْعِبَرِ التَّوْفِيعِ، وَ اعْتَبِرُوا بِالْآيِ السَّوَاطِعِ، وَ ازْجَرُوا بِاللُّذْرِ الْبَوَالِغِ
ای بندگان خدا! از عبرت های سودمند درس گیرید و از نشانه های درخشان عبرت آموزید و از هشدارهای رسا متنبّه شوید (از گناهان باز ایستید)

نهج البلاغة (للصباحي صالح) ص ۱۱۶ خ ۸۵

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا تَفَكَّرَ وَ اعْتَبَرَ، فَأَبْصَرَ إِدْبَارَ مَا قَدْ أَدْبَرَ، وَ حُضِرَ مَا قَدْ حَضَرَ
خدای رحمت کند بنده ای را که بیندیشد و عبرت گیرد؛ پس، رفتن آن چه را که رفته و فرا رسیدن آن چه را که فرا رسیده است، ببیند.

بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۰ ص ۱۱۹

يَنْظُرُ الْمُؤْمِنُ إِلَى الدُّنْيَا بِعَيْنِ الِاعْتِبَارِ، وَ يَقْتَاتُ مِنْهَا بِبَطْنِ الِاضْطِرَارِ

مؤمن دنیا را با دیده عبرت می‌نگرد و از روی ناچاری، از آن خوراک بر می‌گیرد.

نهج البلاغه (للصباحی صالح) ص ۵۳۹ حکمت ۳۶۷

أَفْضَلُ الْعَقْلِ الِاعْتِبَارُ، وَ أَفْضَلُ الْحَزْمِ الِاسْتِظْهَارُ، وَ أَكْبَرُ الْحُمَقِ الِاغْتِرَارُ

برترین خرد، عبرت گرفتن است و برترین دوراندیشی، احتیاط کردن و پشتیبان
جُستن است و بزرگترین بی‌خردی، فریب خوردن (و غفلت) است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۵۲ شماره ۳۷۴

بِالِاسْتِصَارِ يَحْصُلُ الِاعْتِبَارُ

با بصیرت است، که عبرت آموختن حاصل می‌شود.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۵۷ شماره ۵۵۷

كَسْبُ الْعَقْلِ الِاعْتِبَارُ وَ الِاسْتِظْهَارُ ، وَ كَسْبُ الْجَهْلِ الْغَفْلَةُ وَ الِاغْتِرَارُ

دستاوردِ خرد، عبرت گرفتن و احتیاط است و دستاوردِ نابخردی، غفلت و
فریب‌خوردگی.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۷۱ شماره ۱۰۷۵۱

مَنْ جَهَلَ قَلَّ اعْتِبَارُهُ

هر که نابخرد باشد، عبرت گرفتنش اندک است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۷۵ شماره ۱۱۸۵

مَنْ لَمْ يَعْتَبِرْ بِتَصَارِيفِ الْاَيَامِ لَمْ يَنْزَجِرْ بِالْمَلَامِ .

هر که از دگرگونی‌ها و پیشآمدهای زمانه عبرت نگیرد، سرزنش در او کارگر نباشد.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۷۳ شماره ۱۰۸۰۲

أَوْصِيَكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ... وَ بَادِرُوا بِهَا الْحِمَامَ وَ اعْتَبِرُوا بِمَنْ أَضَاعَهَا وَ لَا يَعْتَبِرَنَّ بِكُمْ مَنْ أَطَاعَهَا
شما را به تقوای الهی سفارش می‌کنم ... و با آن به پیشواز مرگ روید و از کسانی
که آن را فرو گذاشتند، عبرت بگیرید و مبادا مایه عبرت کسانی شوید که راه تقوا در
پیش می‌گیرند.

نهج البلاغه (للصباحی صالح) ص ۲۸۴ خ ۱۹۱

لَا عِتْبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ، مَنْ تَفَكَّرَ اعْتَبَرَ، وَ مَنْ اعْتَبَرَ اعْتَزَلَ، وَ مَنْ اعْتَزَلَ سَلِمَ
عبرت‌گیری، هشدار دهنده‌ای صادق است، کسی که بیندیشد، عبرت گیرد و کسی که
عبرت گیرد، [از گناهان و عوامل مهلک] کناره گیرد و کسی که کناره‌گیری کند سالم ماند.
نهج البلاغه (للصباحی صالح) ص ۵۳۸ خ ۳۶۴

الاعتبارُ يقودُ إلى الرِّشادِ

عبرت گرفتن، به راه راست می‌کشاند.

الكافي (ط - الإسلامية) ج ۸ ص ۲۲

مَنْ اعْتَبَرَ أَبْصَرَ، وَ مَنْ أَبْصَرَ فَهَمَّ، وَ مَنْ فَهَمَّ عَلِمَ

هر که عبرت گیرد، بینش یابد و هر که بینش یابد فهم گردد و هر که فهم شود دانا
گردد.

نهج البلاغه (للصباحی صالح) ص ۵۰۶ حکمت ۲۰۸

الزَّمانُ يُرِيكَ الْعِبَرَ

روزگار، عبرت‌ها را به تو نشان می‌دهد.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۷۱ شماره ۱۰۷۶۲

كفى مُعْتَبَرًا لِأُولِي النُّهى ما عَرَفُوا

برای عبرت گرفتن خردمندان، آن چه را [از دنیا] شناخته‌اند کافی است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۷۲ شماره ۱۰۷۷۹

فِي تَصَارِيفِ الدُّنْيَا اعْتِبَارٌ

در پیشامدها و دگرگونی‌های دنیا، عبرت آموزی است.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۴۷۲ شماره ۱۰۷۷۲

لَوْ اعْتَبَرْتَ بِمَا أَضَعْتَ مِنْ مَاضِي عُمْرِكَ لَحَفِظْتَ مَا بَقِيَ

اگر از عمر گذشته خود که تلف کرده‌ای عبرت‌گیری، بی‌گمان باقیمانده عمرت را

پاس داری.

تصنيف غرر الحكم و درر الكلم ص ۱۵۹ شماره ۳۰۳۸

فَاعْتَبِرُوا بِمَا كَانَ مِنْ فِعْلِ اللَّهِ بِإِبْلِيسَ؛ إِذْ أَحْبَطَ عَمَلَهُ الطَّوِيلَ، وَ جَهْدَهُ الْجَهِيدَ (الجمیل)

از رفتار خدا با ابلیس پند گیرید، آن گاه که عمل طولانی مدت و کوشش
توان فرسایش را بر باد داد. نهج البلاغه (الصبحی صالح) ص ۲۸۷ خطبه ۱۹۲

فَاعْتَبِرُوا بِحَالِ وُلْدِ إِسْمَاعِيلَ وَ بَنِي إِسْحَاقَ وَ بَنِي إِسْرَائِيلَ :، فَمَا أَشَدَّ اعْتِدَالَ الْأَحْوَالِ، وَ
أَقْرَبَ اشْتِيَاءَ الْأَمْثَالِ !

از حال و روز فرزندان اسماعیل و پسران اسحاق و پسران اسرائیل علیهم السلام پند
گیرید؛ زیرا که سرگذشت‌ها سخت همسانند و داستان‌ها [ای گذشتگان] همانندی بس
نزدیکی دارند!

نهج البلاغه (للصبحی صالح) ص ۲۹۷ خطبه ۱۹۲

مَا أَكْثَرَ الْعِبْرَةَ وَ مَا أَقَلَّ الْمُعْتَبِرِينَ

وه که چه بسیار است عبرت‌ها و چه اندکند عبرت‌گیرندگان!

بحار الأنوار (ط - بیروت) ج ۷۵ ص ۶۹

امام زین العابدین علیه السلام:

مِسْكِينُ ابْنِ آدَمَ لَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَلَاثُ مَصَائِبَ لَا يَعْتَبِرُ بِوَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ، وَ لَوْ اعْتَبَرَ لَهَانَتْ
عَلَيْهِ الْمَصَائِبُ وَ أَمْرُ الدُّنْيَا: فَأَمَّا الْمُصِيبَةُ الْأُولَى : فَالْيَوْمُ الَّذِي يَنْقُصُ مِنْ عُمْرِهِ، وَ إِنْ نَالَهُ نُقْصَانٌ
فِي مَالِهِ اعْتَمَّ بِهِ، وَ الدَّرْهَمُ يَخْلُفُ عَنْهُ وَ الْعُمْرُ لَا يَرُدُّهُ شَيْءٌ وَ الثَّانِيَةُ : أَنَّهُ يَسْتَوْفِي رِزْقَهُ، فَإِنْ
كَانَ خَلَالًا حَوْسِبَ عَلَيْهِ، وَ إِنْ كَانَ حَرَامًا عُوِقِبَ عَلَيْهِ وَ الثَّلَاثَةُ أَعْظَمُ مِنْ ذَلِكَ - قِيلَ : وَ مَا
هِيَ؟ قَالَ : : مَا مِنْ يَوْمٍ يُمْسِي إِلَّا وَ قَدْ ذَنَا مِنَ الْآخِرَةِ مَرَحَلَةً، لَا يَدْرِي عَلَى الْجَنَّةِ أَمْ عَلَى النَّارِ
بَيْنَا أَدْمَى! هر روز سه مصیبت به او می‌رسد و حتی از یکی از آن‌ها عبرت

نمی‌گیرد که اگر عبرت می‌گرفت، سختی‌ها و کار دنیا بر او آسان می‌شد:

مصیبت نخست روزی است که از عمر او کم می‌شود. در صورتی که اگر از مال او
چیزی کم گردد، اندوهگین می‌شود حال آن که درهم (مال) جایگزین دارد اما عمر از
دست رفته جبران نمی‌شود.

مصیبت دوم این است که روزیش را به‌طور کامل دریافت می‌کند که اگر از راه حلال
باشد باید حساب پس دهد و اگر از راه حرام باشد کیفر می‌بیند.

مصیبت سوم از این‌ها بزرگ‌تر است. عرض شد: آن چیست؟ فرمود: هیچ روزی را به
شب نمی‌رساند مگر این که یک منزل به آخرت نزدیک شده است، اما نمی‌داند به سوی
بهشت یا به سوی آتش!؟